

بعدش به زندان افتاد و اکنون هم در حال تحمل حکم ۱۴ سال حبس است.

عملیات افغانستان در مارس ۲۰۲۵، فرصتی به اسلام‌آباد داد که از این چارچوب خارج شود. عزیر یونس، از مدیران ارشد «گروه آسیا» در واشنگتن در این باره می‌گوید: «این همان پیروزی تاکتیکی فوری بود که آن‌ها می‌خواستند تحویل ترامپ بدهند و نشان دهند پاکستان چیزهای ارزشمند برای عرضه دارد و بعد بتوانند بر این اساس به این رابطه شکل دهند.» بازی کردن روی شخصیت رئیس جمهور، وجه مهمی از نقشه کار پاکستان برای دوره ترامپ ۲ بود، اما اسلام‌آباد، امکاناتی عینی (همان «چیزهای ارزشمند») هم در مقابل ترامپ گذاشت که با استفاده از آن‌ها بتوانند بخش‌هایی از اولویت‌های کلیدی راهبردی خود را دنبال کند. مهم‌ترین نمونه در این میان، مواد معدنی ضروری هستند. ترامپ در جست‌وجویی جهانی به دنبال ۶۰ عنصری است که مجموعه‌ای از فناوری‌های مصرفی یا نظامی را تغذیه می‌کنند و زنجیره تأمین‌شان هم تا حد زیادی در اختیار چین است. چین هم تمایلی فزاینده به این دارد که از این به عنوان اهرم فشار در مذاکرات تجاری استفاده کند. پاکستان، به‌رغم این که یکی از متحدان نزدیک چین است، چیزی را که واشنگتن می‌خواست به او داده است. سازمان کارهای مرزی، شاخه‌ای کلیدی از ارتش پاکستان که در حوزه مهندسی فعالیت می‌کند، در ماه سپتامبر، قراردادی ۵۰۰ میلیون دلاری با شرکت آمریکایی «فلزات راهبردی» امضا کرد تا مس و آنتیموان به ایالات متحده تحویل دهد، از ذخایر پاکستانی که طبق تخمین‌ها، بیش از ۲۲۰ هزار مایل مربع [معادل ۵۹۶ هزار و ۷۰۰ کیلومترمربع] گسترده‌اند. یونس می‌گوید: «در زمینه مواد معدنی ضروری، پاکستانی‌ها به لحاظ راهبردی ز حمتی بلندمدت را به دوش کشیده‌اند.» پاکستان از چندین دهه قبل از ترامپ در تلاش بوده تا از ثروت معدنی خود به عنوان اهرمی بهره بگیرد. بلوچستان، بزرگترین و در عین حال بی‌ثبات‌ترین استان این کشور، محل ذخایر انبوهی از طلا، مس و دیگر مواد معدنی است که ارزش آن‌ها میلیاردها دلار تخمین زده می‌شود؛ اما تلاش‌های غربی‌ها بهره‌برداری از این منابع، در باتلاق کشمکش‌های حقوقی چندین‌ساله گرفتار بود. برجسته‌ترین نمونه این موضوع، «ریکو دیق» بود، منبع بزرگی از طلا و مس که موضوع چندین دعوای قضایی و داوری بین‌المللی با حضور شرکت‌های استرالیایی، شیلیایی و کانادایی بود و عاقبت به اینجا رسید که توسعه آن در سال ۲۰۱۱ در حالت تعلیق قرار گیرد.

دولت خان در سال ۲۰۲۲ پیگیر احیای این معدن شد و در توافق حل‌وفصلی با شرکت «باریک گلد»، شرکت معدنی کانادایی، پذیرفت ۵۰ درصد سهام این کار را به این شرکت بدهد. اوایل امسال، شرکت مالی بین‌المللی، بازوی بانک جهانی در حوزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، موافقت کرد حداقل ۳۰۰ میلیون دلار تأمین مالی این پروژه را ارائه کند و «باریک» قراردادی ۴۰ میلیون دلاری برای تجهیزات استخراج با بنگاه چندصنعتی ژاپنی کوماتسو امضا کرد. این‌ بنگاه هم اعلام کرد بیشتر این تجهیزات را در ایالات متحده خواهد ساخت. آوریل امسال هم دولت ترامپ، هیئت نمایندگی چندسازمانی را به رهبری وزارت خارجه به مجمع سرمایه‌گذاری معدنی پاکستان در اسلام‌آباد فرستاد. یونس می‌گوید همه این تلاش‌ها، «پیمام کاملاً واضحی» داشت که «هر اتحیتی بیفتد، ترجیح پاکستان این است که روی این معدن با غربی‌ها کار کند. این چارچوب راه را برای دونالد ترامپ و دیگران در دولتش باز کرد تا بگویند شاید پاکستان حاضر باشد در بحث مواد معدنی ضروری، به حرف‌هایش عمل کند.» اینجا هم مؤلفه‌هایی از ظواهر و نمایش در کار بود. ماه سپتامبر، زمانی که شریف و منیر به کاخ سفید رفتند، مجموعه‌ای از نمونه‌های سنگ [معدنی] را با خود بردند که نشان ترامپ بدهند.

رمزارز، دیگر حوزه همکاری ایالات متحده و پاکستان است که توجهات بسیاری به خود جلب کرده است. دولت ترامپ در یک سال گذشته، به میزان قابل‌توجهی جایگاه صنعت رمزارز را بالا برده است. برای برخی ارزهای دیجیتال، ذخیره راهبردی ایجاد کرده و تعهد داده ایالات متحده را «پایتخت رمزارز جهان» کند. ترامپ، شرکت رمزارز خودش را هم در ماه سپتامبر ۲۰۲۴ و با نام «ورلد لیبرتی فایننشال» [شرکت آزادی مالی جهان] راه انداخت، یعنی چندین هفته پیش از آن که به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود. این شرکت را او به همراه استیو ویتکاف تأسیس کرد که حالا نماینده ویژه دولت او در امور خاورمیانه است. نام ترامپ و ویتکاف هر دو به عنوان هم‌بنیانگذاران افتخاری در پایگاه اینترنتی این شرکت هست. نام سه پسر ترامپ و دو پسر ویتکاف هم در این فهرست در کنار هفت هم‌بنیانگذار دیگر هست. کسب‌وکارهای خانوادگی ترامپ، از طریق قراردادهای خارجی، از جمله با چندین دولت و نیز از طریق پروژه‌هایی مثل ضرب یک «میم کوین» [meme coin، اصطلاحی مربوط به رمزارزهایی که بر پایه شیوع یک نام یا عبارت در فضای شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند]

به نام ترامپ، صدها میلیون دلار درآمد داشته‌اند. ترامپ دغدغه‌های مربوط به تضاد منافع یا اخلاقیات را در این زمینه کوچک شمرده است. او در مصاحبه‌ای با برنامه «۶۰ دقیقه» [برنامه مشهور و باسابقه شبکه سی‌بی‌اس آمریکا] در اواخر اکتبر در این باره گفت: «پسرانم خیلی بیشتر از من در کار رمزارز فعالیت دارند. ببینید، آن‌ها دارند کسب‌وکار را می‌گردانند. در دولت نیستند. کارشان هم خوب است.»

دولت پاکستان فرصت رمزارزها را هم به عنوان مسیر بالقوه برای عبور از گرفتاری‌های اقتصادی قدیمی‌اش غنیمت شمرد و تلاش کرد با راه‌اندازی «شورای رمزارز پاکستان» ارزهای دیجیتال را قانونی و رسمی کند. رئیس این شورا، وزیر دارایی کشور است. در ادامه این روند، موجی از تعاملات با ایالات متحده به راه افتاد. در ماه آوریل، این شورا یک نامه استعلام بها با ورلد لیبرتی فایننشال امضا کرد «تا به نوآوری‌ها در عرصه بلاک‌چین، به‌کارگیری رمزارزهای بانبات و تلفیق سامانه‌های مالی غیرمتمرکز در سراسر پاکستان» شتاب بخشد. زک، پسر ویتکاف و دیگر مدیران این شرکت، در اتفاقی که در سطح غیرمعمولی از تعامل برای یک شرکت خصوصی بود، با شریف، منیر و چندین مقام دیگر از جمله وزیر اطلاعات و تشریات و وزیر دفاع دیدار کردند تا طبق گزارش دولت پاکستان از این دیدار، «همکاری‌ها را رسمی» کنند. بلال بن‌ثاقب، مدیرعامل شورای رمزارز پاکستان، در ماه مه به عنوان وزیر رمزارز و بلاک‌چین پاکستان منصوب شد و متعاقب این انتصاب، در نشستی مربوط به رمزارز در لاس‌وگاس آمریکا اعلام کرد پاکستان ذخایر راهبردی خود را برای رمزارز بیت‌کوین ایجاد خواهد کرد. شیخ، سفیر پاکستان، ارتباطات در حوزه رمزارز را یکی از چندین حوزه تعامل با دولت ترامپ توصیف می‌کند. او می‌گوید: «همواره قصد چنین اقداماتی وجود داشته اما حالا محتوایشان از طریق مشورت متقابل، رضایت متقابل و البته منفعت متقابل، دارد به کار اضافه می‌شود. ما داریم نقشه راه را برای مواد معدنی، رمزارز، انرژی، مبارزه با تروریسم، سلامت و آموزش ترسیم می‌کنیم.»

اما یونس می‌گوید به‌رغم این توجهات، درباره اثر روابط در حوزه رمزارز بر رابطه ایالات متحده و پاکستان، اغراق می‌شود. او می‌گوید: «واضح است که وقتی زک ویتکاف به پاکستان می‌رود و درباره رمزارز صحبت می‌کند یا بلال بن‌ثاقب به آمریکا می‌آید و با افرادی از کاخ سفید درباره رمزارز جلسه دارد، یعنی خبری در راه است، اما از لحاظ تأثیرات ماجر، اغراق شده است.» او اضافه می‌کند: «کاری که دولت می‌خواهد انجام دهد، این است که راهی بیابد و تبادلات را به میانه کار بیاورد تا به این بخش رسمیت ببخشد. چه خانواده ترامپ باشد که می‌خواهد این را در پاکستان بنا کند، چه هر کس دیگر، اگر می‌خواهید به اینجا بیایید درباره رمزارز حرف بزنید و قبلاً هم در غرب ثبت و فعالیت کرده باشید، درهای ما برای کسب‌وکار باز است.»

نفوذ غالب پاکستان در دولت دوم ترامپ با سرشدن روابط واشنگتن با هند، بزرگترین رقیب اسلام‌آباد، هم‌زمان شده است. ترامپ، نمونه‌هایی از بالاترین نرخ‌های تعرفه در دنیا را بر هند اعمال کرد. در واکنش به تصمیم دهلی‌نو برای ادامه خرید نفت از روسیه در میانه جنگ اوکراین این تعرفه‌ها را به ۵۰ درصد افزایش داد و برخلاف روال معمولش، نسبت به نازندا مودی، نخست‌وزیر هند، رویکردی منتقدانه داشته است. بیشتر این خصومت از درگیری یک‌هفته‌ای سرچشمه می‌گیرد که در اوایل ماه مه، بین هند و پاکستان در گرفت. این‌ درگیری، در پی حمله‌ای تروریستی در بخش هندی کشمیر به راه افتاد. دهلی‌نو، اسلام‌آباد را متهم کرد صحنه‌گردان این حمله بوده است. بعد از حملات هوایی تلافی‌جویانه هند، کار بالا گرفت و به بزرگترین درگیری سال‌های اخیر بین این دو همسایه مسلح به سلاح هسته‌ای تبدیل شد، اما چهار روز بعد به آتش‌بسی ناگهانی منتهی شد. ترامپ در نوشته‌ای در شبکه اجتماعی «تروث» این آتش‌بس را به نام خود زد. این‌ برای هند آزردهنده بود، چراکه هند از پذیرش هر نوع وساطت بین‌المللی در رابطه‌اش با پاکستان خودداری می‌کند و همواره اصرار داشته که دو طرف، در روندی دوجانبه تنش‌ها را پایین بیاورند. از طرف دیگر، پاکستان، کل اعتبار ماجرا را به ترامپ داد و اولین کشوری شد که رسماً ترامپ را برای دریافت جایزه صلح نوبل معرفی کرد.

شیخ در این باره می‌گوید پاکستان در میانه درگیری از چندین کشور پیام‌هایی دریافت کرد؛ از جمله از دول عربی حاشیه خلیج فارس و ترکیه؛ اما «تسهیل‌گری اصلی‌ که در نهایت اثرگذار بود، از سمت او [ترامپ] و دولتش بود.» سفیر پاکستان اضافه می‌کند که رئیس‌جمهور آمریکا «نقشی بسیار مثبت و مثرثمر در حصول آتش‌بس» ایفا کرد. او به این حقیقت که نوشته «دنیا را [از آتش‌بس] خبردار کرد» به عنوان شاهد این موضوع اشاره می‌کند.

اما حقانی می‌گوید به‌رغم تفاوت‌ها در نگرش ترامپ نسبت به این دو همسایه، سیاست ایالات متحده نسبت

به هیچ‌کدام از این دو، تغییر اساسی نکرده است: «ترامپ از دست هند کلافه است، چون آن توافق تجاری را که می‌خواهند با هند ندارد. از مودی هم کلافه است چون «سخاوت» این را نداشت که اعتبار ماجرا را که ترامپ می‌خواست، به او بدهد؛ اما به لحاظ ماهوی، همه عواملی که در دو دهه گذشته، ایالات متحده و هند را شریک هم کردند، هنوز برقرارند.»

در همین حال، برای پاکستان، به‌رغم این فضای دوستانه، بعید است که کمک‌های اساسی اقتصادی یا نظامی تحقق یابد. حقانی اضافه می‌کند: «پاکستان همیشه به دنبال کمک اقتصادی است، [اما] چیزی نخواهد گرفت، چون ترامپ به هیچ کس کمک اقتصادی نمی‌دهد. بله، ایالات متحده در فضای علنی کمتر موضع انتقادی نسبت به پاکستان خواهد داشت. این امتیازی سیاسی است. احتمالاً ایالات متحده در موضوع افغانستان با پاکستان کار کند، اما این کار را احتمالاً به هر حال داشتند می‌کردند. من هیچ نمی‌بینم که به این زودی‌ها، اقلام نظامی مهم و گران قیمتی به پاکستان فروخته شود.»

رابطه هند و ایالات متحده هم در هفته‌های اخیر دوباره به سمت بهبود چرخیده است، با امضای پیمان دفاعی ۱۰ ساله و دوجانبه و نیز تأیید انتصاب سرجیو گور، مرید برجسته ترامپ به عنوان سفیر جدید ایالات متحده در دهلی‌نو. تعرفه‌ها همچنان سر جایشان هستند و توافق تجاری نیز همچنان دورازدسترس است، اما لحن ترامپ هم نسبت به مودی نرم‌تر شده است. رئیس‌جمهور ایالات متحده اوایل ماه گذشته میلادی درباره این رهبر هندی گفت: «او دوست من است.»

ممکن است گزینه‌های میانجیگری صلح ترامپ به همین زودی‌ها دوباره به محک گذاشته شوند. دو انفجار متوالی در دهلی‌نو و اسلام‌آباد در اواسط ماه نوامبر رخ داد که هر کدام را دولت هدف، حمله تروریستی به حساب آورد. حاکمان در هر دو پایتخت در واکنش به این اتفاقات، صدای اعتراض خود را بلند کردند. هر دو طرف تا اینجای کار در اعلام عامل حمله و در تحقیقات‌شان محتاط بوده‌اند و این امید ایجاد شده که این بار بشود از شعله‌ورشدن آتش درگیری گسترده‌تر پرهیز کرد؛ اما اخیراً بین پاکستان و افغانستان نیز درگیری رخ داد که خاکسترش هنوز گرم است. در میانه این درگیری، وزیر خارجه افغان به دهلی‌نو رفت. این بار دیگری بود که یادآوری کرد این منطقه همچنان مستعد آتش است.

جدای از به نام خود زدن اعتبار، علاقه ترامپ به تداوم ثبات در منطقه آشکار است. یونس می‌گوید: «کاری که او احتمالاً ادامه‌اش خواهد داد، این است که واقعاً برای همه، به‌خصوص هندی‌ها و پاکستانی‌ها، یادآوری کند که نمی‌خواهد آن‌ها وارد درگیری دیگری شوند، کوچک یا بزرگ، این عمدتاً به این خاطر است که حواس‌پرتی و مزاحمتی برای دولتش خواهد بود، اما از آن مهم‌تر این است که چنین اتفاقی، در میانه برنامه‌های او [ترامپ] برای خاورمیانه بی‌ثباتی ایجاد و وارد می‌کند.» ورای این‌ موضوع، نگاه ترانکشی ترامپ و ترجیح او نسبت به مذاکرات دوجانبه به این معناست که او نسبت به رؤسای‌جمهور دیگر، کمتر به این تمایل دارد که هند و پاکستان را به هم متصل ببیند یا وزن این دو را در مقابل هم بسنجد. دیپلمات سابق آمریکایی در این باره می‌گوید: «رئیس‌جمهور ترامپ روابط ایالات متحده با هند و با پاکستان را یک بازی حاصل جمع صفر نمی‌بیند یا آن را در بستر گسترده‌تر راهبردی در نظر نمی‌گیرد. او روابط خوب با یکی از این دو کشور را مخرب روابط خوب با دیگری به حساب نمی‌آورد.»

این دقیقاً همان چیزی است که پاکستان می‌خواهد. شیخ می‌گوید: «به ما از درجه چین، هند، روسیه، افغانستان یا ایران نگاه نکنید. ما درجه خودمان را می‌خواهیم. ما رابطه خودمان با ایالات متحده را لازم داریم، رابطه‌ای مجزا و بر مبنای شایستگی‌ها و ویژگی‌های خودمان که هر رابطه دوجانبه دیگری که ایالات متحده ممکن است داشته باشد، بر آن اثر نگذارد و همین‌طور برعکس.» حالا چالش پاکستان این‌ها خواهد بود: این رابطه را با رئیس‌جمهور پیش‌بینی‌ناپذیری در آمریکا حفظ کند، رئیس‌جمهوری که تا اینجای کار پاکستان توانسته از میان تمایلات و خلیقاتش راه خود را پیدا کند. دیگر اینکه تضمین کند این رابطه می‌تواند پس از ترامپ هم دوام بیاورد. از نگاه یونس، عمل به وعده‌های مربوط به مواد معدنی ضروری و ایفای نقش در حفظ صلح در خاورمیانه، در این مسیر اهمیت کلیدی خواهد داشت. پیمان امنیتی تاریخی که اخیراً پاکستان با عربستان سعودی امضا کرد، آینده این کشور را بیشتر به سرنوشت منطقه گره می‌زند. شیخ از این موضوع آگاه است که پاکستان باید تلاش کند تا تضمین کند، دستاوردهایش در اوایل دوره ترامپ، قابل دوام هستند. او می‌گوید: «رابطه ما به نظر خوب می‌آید. در ظاهر امر، در بهترین وضعیتی است که تا‌به‌حال داشته، اما به هر حال خوب به نظر می‌آید. در تعاملات آینده‌مان، در ادامه مسیر، باید به وعده‌ها و تعهدات این رابطه عمل کنیم.»

ترجمه: روح‌اله نخعی



تماس پزشکیان با مادورو

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، در گفت‌وگویی تلفنی، ضمن مرور همکاری‌های دوجانبه، درباره آخرین تحولات منطقه کارائیب تبادل نظر کردند. پزشکیان با تأکید بر اصل اتحاد راهبردی و دوستی پایدار میان ایران و ونزوئلا، خاطرنشان کرد: «جمهوری اسلامی ایران، ونزوئلا را دوست و متحد واقعی خود می‌داند و در تمامی شرایط، به‌ویژه در وضعیت حساس کنونی، از این کشور حمایت می‌کند.» رئیس‌جمهور در ادامه ضمن اعلام پشتیبانی ایران از استقلال، امنیت و ثبات ونزوئلا تصریح کرد: «تحولات منطقه کارائیب و تحرکات آمریکا را با دقت دنبال و همبستگی کامل خود را با دولت و ملت ونزوئلا اعلام می‌کنیم.» پزشکیان همچنین با محکومیت اقدامات غیرقانونی آمریکا در منطقه کارائیب تأکید کرد: «اقدام دولت آمریکا در اعزام ناوگان جنگی به کارائیب و سواحل ونزوئلا، به بهانه‌های واهی، اقدامی کاملاً غیرقانونی، ناقض قواعد بین‌المللی و بدعتی خطرناک در تهدید صلح و امنیت جهانی است و جمهوری اسلامی ایران آن را قاطعانه محکوم می‌کند.» مادورو نیز ضمن قدردانی از حمایت‌های همیشگی جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به تنش‌های اخیر در منطقه کارائیب، اقدامات آمریکا را تحریک‌آمیز، غیرضروری و خلاف منشور ملل متحد توصیف کرد و گفت: ادعاهای دروغین آمریکا علیه ملت نجیب ونزوئلا با مخالفت افکار عمومی جهان، حتی در داخل آمریکا و همچنین مخالفت قاطع مردم ما روبه‌رو شده است. رئیس‌جمهور ونزوئلا بر تداوم همکاری‌های راهبردی تهران و کاراکاس نیز تأکید کرد و افزود: «روابطو همکاری‌های خودبا جمهوری اسلامی ایران را با جدیت دنبال و تقویت خواهیم کرد. دو کشور در تماس دائمی خواهند بود و برای تحقق صلح و توسعه تلاش می‌کنند و این مسئولیت مشترک‌ماست.»



نشست ایران، عربستان و چین

مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر خارجه در ایکس نوشت: «در روز شنبه‌شنبه سومین جلسه کمیته مشترک سه‌جانبه ایران، عربستان و چین برای پیگیری توافقاتمه پکن در تهران تشکیل شد. ولید الخریجی، معاون وزیر امور خارجه عربستان و میائو دیو، معاون وزیر امور خارجه چین در این جلسه شرکت کردند.» وی خاطرنشان کرد سه کشور «بر اهمیت گفت‌وگو و همکاری منطقه‌ای بین کشورهای منطقه با هدف تقویت امنیت، ثبات، صلح و رفاه اقتصادی تأکید کردند.» تخت‌روانچی تصریح کرد: «سه کشور خواستار پایا فوری تجاوز رژیم اسرائیل علیه فلسطین، لبنان و سوریه هستند و در عین حال اقدام تجاوزکارانه و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنند.»



جلسه خزری ایران و روسیه

نشست نمایندگان ویژه ایران و فدراسیون روسیه در امور دریای خزر، با حضور کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و نماینده ویژه ایران در امور دریای خزر و نیکولای اودویچنکو، نماینده ویژه روسیه در این حوزه، در محل وزارت امور خارجه برگزار شد. در این دیدار، طرفین پیرامون آخرین تحولات مرتبط با دریای خزر، از جمله هماهنگی‌های لازم برای برگزاری هفتمین اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر در تهران در مردادماه ۱۴۰۵ را بررسی کرده و درباره مسائل زیست‌محیطی از جمله کاهش سطح آب دریای خزر و راهکارهای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری در حوزه خزر به تبادل نظر پرداختند.